

آرشیو

و بررسی نقش آن
در شکل‌گیری ادبیات نمایشی ایران

پوپک رحیمی

آیرونی و بررسی نقش آن در شکل‌گیری ادبیات نمایشی ایران

پوپک رحیمی

سبزان

سرشناسه : رحیمی، پوپک، ۱۳۶۲ -
 عنوان و پدیدآور : آبرونی و بررسی نقش آن در شکل گیری ادبیات نمایشی ایران / پوپک رحیمی.
 مشخصات نشر : تهران: سبزان، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص.
 شابک : 978-600-117-176-5
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : کتابه در ادبیات
 موضوع : نمایشنامه فارسی -- ایران -- تاریخ و نقد
 رده بندی کنگره : PIR3363/ک9ر3 ۱۳۹۵
 رده بندی دیویی : ۸۴۰/۴۲
 شماره ی کتابشناسی ملی : ۴۱۸۷۴۵۸



انتشارات سبزان

میدان فردوسی - خیابان فرصت - ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۳۱۹۵۵۸-۸۸۸۴۷۰۴۴

آبرونی و بررسی نقش آن در شکل گیری ادبیات نمایشی ایران

• نویسنده: پوپک رحیمی

• ناشر: سبزان

• خدمات نشر: واحد فنی سبزان

۸۸۳۴۸۹۹۱-۸۸۳۱۹۵۵۷

• نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

• تیراژ: ۳۰۰ نسخه

• قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

• چاپ و صحافی: معراج

فروش اینترنتی و online از طریق سایت ای کتاب www.iiketab.com

شابک ۵-۱۷۶-۱۱۷-۶۰۰-۹۷۸-978-600-117-176-5

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
مقدمه.....	۱۱
آیرونی چیست؟.....	۱۷
آیا آیرونی تکنیک جدیدی است؟.....	۲۰
چگونه تشخیص دهیم با آیرونی طرف هستیم؟.....	۲۵
گونه‌های مختلف آیرونی کدام است؟.....	۳۲
آیرونی کلامی.....	۳۲
آیرونی سقراطی.....	۳۳
آیرونی موقعیت.....	۳۳
آیرونی رادیکال.....	۳۵
آیرونی غیر شخصی.....	۳۵
آیرونی ساختاری.....	۳۵
آیرونی رمانتیک.....	۳۷
آیرونی خودکاهی.....	۳۸
آیرونی نقش ساده‌لوح.....	۳۹
آیرونی خودزنی.....	۳۹
آیرونی ناهمخوانی ساده.....	۴۰
آیرونی عمومی نمایش.....	۴۰
آیرونی نمایشی.....	۴۰
آیرونی تقدیر یا سرنوشت.....	۴۱

- ۴۲..... آبرونی حادثه
- ۴۲..... آبرونی کلی
- ۴۳..... رابطه میان آبرونی و تئاتر
- ۴۵..... نظریه پردازان ادبی بزرگ در ارتباط با آبرونی چه گفته اند؟
- ۴۵..... متیو آرنولد و تی.اس. الیوت
- ۴۷..... آی. آی. ریچاردز
- ۴۸..... نقد نو
- ۵۲..... کی یرکگور
- ۵۴..... تعریف طنز و طعنه
- ۵۵..... عامه پسند چیست؟
- ۵۶..... چرا سقراط خود را با خرمگسی قیاس کرد؟
- ۵۶..... طنز استهزایی
- ۵۷..... کلام آخر: دوگانگی طنز و طعنه خواص و عوام
- ۵۸..... نورتروپ فرای
- ۶۰..... دی.سی. ماک
- ۶۲..... فروید
- ۶۳..... باختین
- ۶۳..... پست مدرنیسم
- ۶۵..... آبرونی در ادبیات کلاسیک ایران
- ۶۶..... آبرونی در شاهنامه
- ۶۹..... آبرونی در آثار عبید زاکانی
- ۷۱..... آبرونی در مثنوی مولوی

۷۵ _____ جستاری بر ادبیات نمایشی و نمایش ایرانی

- ۷۵..... ادبیات نمایشی چیست؟
- ۷۶..... در مورد سابقه نمایش در ایران بیشتر بدانیم
- ۸۲..... تئاتر مدرن اروپایی چگونه به ایران راه یافت؟

نمایش‌های ایرانی چگونه از آیرونی استفاده می‌کنند؟ _____ ۸۷

آیرونی در خیمه‌شب‌بازی ۸۷

آیرونی در شعبده‌بازی (حقه‌بازی) ۸۹

آیرونی در دلقک‌بازی (مسخره‌بازی) ۸۹

آیرونی در نمایش‌های شبیه مضحک یا تقلید ۹۱

آیرونی در لال بازی ۹۴

آیرونی در بقال‌بازی ۹۵

آیرونی در نمایش‌های کچلک‌بازی ۹۷

آیرونی در سیاه‌بازی یا روح‌حی ۹۹

آیرونی در نقالی ۱۰۳

آیرونی در تعزیه و تعزیه مضحک ۱۰۴

نمایشنامه‌نویسی در دوران نوپایی قاجار _____ ۱۰۹

نگاه آخوند زاده به آیرونی ۱۱۷

نگاه میرزا آقا تبریزی به آیرونی ۱۲۱

واکاوی آیرونی‌های نمایشنامه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده _____ ۱۲۳

حکایت وزیر خان لنکران یا سراب ۱۲۳

حکایت خرس قولدورباسان یا دزدافکن ۱۲۷

حکایت مرد خسیس یا حاجی قره ۱۲۹

حکایت وکلای مراقبه تبریز ۱۳۲

حکایت موسیو ژوردان حکیم نباتات و مستعلی‌شاه مشهور به جادوگر ۱۳۴

حکایت ملا ابراهیم خلیل کیمیایگر ۱۳۷

واکاوی آیرونی‌های نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی _____ ۱۴۱

حکایت سرگذشت اشرف خان حاکم عربستان ۱۴۱

حکومت زمان خان ۱۴۳

۱۴۵ حکایت کربلا رفتن شاه قلی میرزا

۱۴۶ حکایت عاشق شدن آقاهاشم خلخالی

۱۴۹ نقش آبرونی در شکل‌گیری ادبیات نمایشی در ایران

۱۵۵ منابع و مآخذ

پیشگفتار

ادبیات هر سرزمین، نه فقط گنجینه‌ای از تبلور احساسی مردمان معاصر خود، نه فقط معیاری برای سنجش فرهنگ و ویژگی‌های اجتماعی، اعتقادی و نوع زندگانی آنان، نه فقط آینه شرایط سیاسی و اجتماعی دوران خود، نه فقط وسیله‌ای برای گوشزد کردن کاستی‌ها و در نتیجه ارشاد و هدایت مردمان آن سرزمین، بل زبان گویایی است در نقد و ستایش و نکوهش ویژگی‌های فرهنگی یک جامعه، آن هم در شرایطی که گاه‌ا این ویژگی‌ها جزو تعصبات و "مگو"های آن اجتماع هستند و باید پنهان و دور از نقد بمانند.

ادیبان، شعرا و نویسندگان هر مرز و بوم، آینه تمام‌نمای شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی عصر خود هستند که با استفاده از تکنیک‌های ادبی گوناگون، از جمله تشبیه، استعاره، کنایه، توصیف، آبرونی و... به بیان مکنونات جامعه خود پرداخته و آنها را به نقد کشیده‌اند.

این مساله در جوامعی که به خاطر شرایط خاص سیاسی و اجتماعی‌اش جوامع بسته‌تری محسوب می‌شوند، شدت پیدا کرده و رسولان ادبی آن مناطق مجبور به استفاده بیشتری از پیچیدگی‌های کلامی در آثار خود هستند تا بتوانند آنچه خود و جامعه از گفتنش منع شده‌اند را بیان کرده و با گوشزد کردن کاستی‌ها،

قدمی هر چند کوچک در راستای اصلاح جامعه خود بردارند.

سرزمین‌هایی مانند یونان باستان، که علاوه بر ادبیات، از هنر نمایش هم برای مرتفع کردن این هدف استفاده می‌کردند، تکنیک‌ها و صنعت‌های ادبی بسیاری را در نوع تازه‌ای از ادبیات به نام "ادبیات نمایشی" استفاده کردند که به آنها در رسیدن به مقاصدشان کمک بسیاری کرد و از طرف دیگر باعث خلق آثار نمایشی شد که به خاطر ویژگی‌های خاص انتقادی و تاثیرگذاری و جریان‌سازی در جامعه خود و در تاریخ نمایش جهان ماندگار شدند.

کشور ما، ایران، هم از این قافله عقب نمانده و با تکیه بر پشتوانه غنی ادبی و نمایشی خود که سرشار از کنایات ادبی است، توانست با استفاده از تکنیک‌های ادبی، قدم‌های استواری را در پایه‌گذاری ادبیات نمایشی خود بردارد. حال آنکه ادبیات نمایشی - به آن شکلی که در اروپا رایج بوده است - در دورانی از تاریخ ایران متولد شد که این کشور دستخوش تحولات سیاسی و اجتماعی بزرگی بود که می‌توان به جرات به آن نام رنسانس کوچک ایران را داد. اوایل قرن سیزدهم خورشیدی که در آن دوران تغییر حاکمیت ایران، جنگ میان کشورهای مختلف و قرار گرفتن ایران در یک موقعیت استراتژیک جنگی، بسته شدن قراردادهایی به ضرر کشور و در عین حال فقر فرهنگی و اجتماعی مردم و هم‌زمانی آن با ورود موجی از جریان روشنفکری به ایران، همه و همه زمینه را برای خلق آثار نمایشی انتقادی آماده کرد که البته با وجود ممیزی‌های شدید دولتی و ممکن نبودن انتقاد صریح، نمایشنامه‌نویسان متقدم - میرزا فتحعلی آخوندزاده و به دنبالش میرزا آقا تبریزی - را وادار کرد که برای بیان مکنونات قلبی مگوی خود، به تکنیک‌های ادبی پناه ببرند. مردم ایران که به واسطه پیشینه ادبی و نمایشی خود با این صناعات غریبه نبودند، در درک مفاهیم اصلی مطروحه توسط نمایشنامه‌نویسان متقدم موفق عمل کردند. میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقا تبریزی، با استفاده از این تکنیک‌ها که در راس آنها آبرونی قرار داشت، توانستند جریان‌ات انتقادی را علیه شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی مردم به

راه انداخته و با روشنگری‌های خود راه را برای نویسندگان نسل‌های بعد از خود چون صادق هدایت باز کنند.

مطالعه کارکرد این‌گونه صناعات، خصوصاً آبرونی و نقشی که این صنعت در شکل‌گیری ادبیات نمایشی ایران، حفاظت از خالق اثر و بعدتر از آن از خود اثر نمایشی که در آن به کار رفته بود ایفا کرد، می‌تواند بسیار جالب توجه و در ضمن آن بسیار راه‌گشا و آموزنده باشد.

در این کتاب در پی آنیم تا پس از تعریف واژه آبرونی، ویژگی‌ها و بررسی سوابق و انواع آن، حضور این تکنیک را در ادبیات فارسی و نمایش‌های ایرانی - که زمینه شکل‌گیری ادبیات نمایشی ایران هستند - بررسی کنیم و در انتها، آبرونی‌های به کار رفته در نمایشنامه‌های متقدم ایرانی - آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقا تبریزی - را ذکر و کارکرد هر کدام از آنها را بررسی خواهیم نمود.

مقدمه

در فرهنگنامه ادب فارسی در تعریف آیرونی آمده است: "در اصطلاح، شگردی است که نویسنده با توجه به بافت متن، به کلام یا واقعهای ظاهراً صریح، معنایی بسیار متفاوت می‌بخشد که در آن دریافتی کاملاً مطایبه‌آمیز از ناهمخوانی وجود دارد. به عبارت دیگر، آیرونی، بیانی ادبی است که در لحن آن نوعی دوگانگی وجود دارد، چنان که نسبت به آنچه گفته شده یا دیده شده، از جنبه‌ای دیگر نامعقول یا نامفهوم است یا متضاد و خلاف انتظار."

با توجه به این تعریف، این نکته به دست می‌آید که آیرونی (irony)، تکنیک و صنعتی ادبی است که نوعی دویپهلویی و تناقض مفهومی پنهانی را در ذات خود داراست که باعث می‌شود نویسنده آیرونیست - خالق آیرونی - بتواند مفاهیم مورد نظر خود را در لفافه و در پوشش مفاهیمی دیگر به مخاطبش عرضه کرده و مخاطب از کشف منظور اصلی او از پس کلام ظاهری، غرق لذت شود.

با توجه به این تعریف، واضح است که به کار بردن واژه "تضاد" نمی‌تواند به طور کامل، چگونگی شکل‌گیری موقعیت آیرونیکی را توضیح دهد. مقصود نظر از دوگانگی در آیرونی تنها تضاد نیست، گاهی باید "تناقضی" وجود داشته باشد تا موقعیت آیرونیکی شکل بگیرد. تناقضی که در آن امکان جمع اضداد وجود نداشته

باشد. مثلاً آبرونی موقعیت، آبرونی نهفته در آن شرایطی است که کاراکتر در موقعیتی دو پهلو قرار گیرد. موقعیتی که او را بر سر انتخاب بین دو دلخواسته‌اش قرار می‌دهد، دو دلخواسته‌ای که در تناقض با هم قرار دارند و انتخاب یکی مستلزم ناپود کردن دیگری است. شکسپیر در آثارش از این نوع آبرونی استفاده فراوانی برده است.

زهرآ بهره‌مند در مقاله‌ای به نام "آبرونی و تفاوت آن با طنز و صنایع بلاغی مشابه"، توضیح می‌دهد که اگر چه اصطلاح آبرونی در فارسی، معادل کلامی واژه‌هایی چون طعنه، طنز، ریا، تقیه، فریبکاری، استهزاء، ایهام و... است، اما تمامی این معانی در کنار هم نیز، باز نمی‌توانند معنای درست و دقیق آبرونی را به عنوان یک تکنیک سبکی متبلور کنند. آبرونی در ذات خود نوعی ایهام و دوپهلویی دارد که گاهی می‌تواند توأم با طنز باشد.

شاید نزدیک‌ترین واژه فارسی به مفهوم آبرونی، "کنایه" باشد که البته در بسیاری از فرهنگ‌های لغات، اغلب کنایه را به عنوان معادلی برای آبرونی آورده‌اند. کنایه فارسی تقسیم‌بندی‌هایی مانند کنایه از صفت، کنایه از موصوف و کنایه از فعل، کنایه قریب و کنایه بعید، ایماء، تلویح، رمز و... دارد. در واقع تقسیم‌بندی‌های کنایه در فارسی بیشتر در کلمات و ترکیبات وجود دارد، در حالی که تقسیم‌بندی آبرونی بیشتر از لحاظ ساختار و محتواست. آبرونی در واقع، تضاد ظاهر با واقعیت است. همین ویژگی است که برای آبرونی انواع مختلفی از جمله آبرونی کلامی، رفتاری، فلسفی و... را به همراه می‌آورد.

با این تعاریف مشخص است که کشف منظور اصلی نویسنده از میان کلماتی که برای پنهان کردن آن استفاده کرده است، تا چه میزان برای خواننده جذاب است، به همین منظور بیشتر نویسندگان آبرونیک جهان، از آبرونی برای جذاب‌تر کردن متن خود در درجه اول و در درجه بعدی برای بیان "آنچه می‌خواهند و باید بگویند، اما اجازه ندارند که بگویند" استفاده کرده‌اند. آبرونی راه‌های روشنی برای بیان آنچه ناگفتنی است پیش پای نویسنده قرار می‌دهد. مطرح کردن

مسائلی که نباید مطرح می‌شدند، به صورتی دو پهلو و دور از صورت اما نزدیک به معنای اصلی، شیوه رندانه نویسندگان آبرونیک جهان است.

گاهی آبرونیست‌ها، در یک نمایشنامه، با ارائه نوعی پیش‌آگاهی، مخاطب را از تناقض موجود در شرایط تصویر شده در نمایش با خبر کرده و مخاطب با آگاهی از این تناقض، در جایگاه آگاهی بالاتری نسبت به قربانی آبرونی - کاراکتری از نمایش که از این تناقض بی‌خبر است - قرار می‌گیرد. این جایگاه آگاهی برتر نسبت به حقایق و رخداد های پیش رو، همان جایگاهی است که بشر از ابتدای خلقت در پی دستیابی به آن بوده و هنوز موفق به تکیه زدن به آن نشده است. جایگاهی که در آن بتواند از مکنونات طبیعت باخبر بوده و حقیقت هر امری را دانسته و بتواند با این سطح از دانش، خود را از افتادن در دام بسیاری بلاها برهاند. می‌توان تصور کرد که مخاطب آبرونی تا چه میزان از قرار گرفتن در این جایگاه آگاهی احساس لذت و سرخوشی خواهد کرد.

آبرونی از دیرباز در ادبیات فارسی نیز وجود داشته و یکی از دلایل اصلی جذابیت آثار، آبرونیک بودن آنها بوده است. مانند داستان رستم و سهراب، که جذاب‌ترین نکته آن، بی‌خبری پدر و پسر از هم است؛ در حالی که خواننده از این رابطه آگاه است. این جذاب‌ترین نوع آبرونی است، مادامی که مخاطب از حقیقت امر باخبر است و کاراکترهای نمایش یا داستان در اشتباهند. رستم و سهراب هر کدام تصویری اشتباه از رقیب خود دارند و فکر می‌کنند حقیقت آن است که می‌پندارند، حال آنکه مخاطب می‌داند هر دو در اشتباه هستند و واقعیت با چیزی که به نظر می‌رسد در تضاد محض است. از این دست آبرونی‌ها در ادبیات فارسی بسیار دیده می‌شود. به عنوان نمونه ادبیات تمثیلی فارسی نیز نوعی آبرونی در خود دارد: کاراکترها "چیزی" هستند که در واقعیت "آن چیز" نیستند، بلکه "مجاز"ی‌اند از آنچه که باید باشند. در واقع در تمثیل، آنچه می‌بینیم با آنچه منظور نویسنده است متفاوت است - مثلاً "خر" در اشعار مولوی، تمثیلی است از طبقه خاصی از انسان‌ها، پس منظور از "خر" در این اشعار، حیوان "خر" نیست.

این تضاد "بود" و "نمود"، آبرونی است؛ مسلماً چنین آبرونی‌هایی در اقتباس‌های نمایشی از این آثار نیز حضور دارند.

آبرونی در نمایش‌های ایرانی هم حضوری دیرپا دارد. انواع نمایش‌های ایرانی، از نقالی - که به واسطه آبرونیک بودن شاهنامه آبرونی است - تا سیاه‌بازی و روحوضی - که پر است از کنایات و شخصیت‌های آبرونیک - از تعزیه و شگردهای آبرونیکش برای فاصله‌گذاری تا بقال‌بازی و خیمه‌شب‌بازی، همگی دارای ویژگی‌های آبرونیک هستند و همین ویژگی‌های آبرونیک، دلیل جذابیت، اخلاق‌آموزی و اکثراً طنزآمیزی این نمایش‌ها می‌شده است.

در ادبیات نمایشی ایران نیز به واسطه پشتوانه غنی ادبیات کلاسیک و آبرونیک فارسی و رواج استفاده از آبرونی در کلام عادی و روزمره مردم و نمایش‌های مختلفشان، انواع گوناگون آبرونی دیده می‌شود که در دهه‌هایی که نویسندگان و دولت وقت در تعارض با هم قرار می‌گرفتند، از سوی نویسندگان، به قصد بیان آنچه اجازه نداشتند بیان کنند به کار گرفته شده است.

از مهم‌ترین مقاطعی که می‌توان در تاریخ ادبیات نمایشی ایران مورد بررسی قرار داد، دهه اول تولد ادبیات نمایشی در ایران - به صورت کلاسیک و مطابق با اصول نمایشنامه‌نویسی کلاسیک جهان - است. در ادامه خواهیم گفت که اغلب نمایش‌های ایرانی متن از پیش نوشته شده در قالب نمایشنامه‌های امروزی نداشته‌اند و از حدود سال ۱۲۰۰ ه.ش. و بعد از تلاش‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، نمایشنامه‌نویسی به سبک و شیوه کلاسیک در ایران رواج پیدا کرد. پس می‌توان این برهه را دوره تولد ادبیات نمایشی در ایران در نظر گرفت. در این برهه، شرایط سیاسی خاصی وجود داشت که نویسندگان مجبور بودند در متون خود از آبرونی استفاده کنند. استفاده از آبرونی تا بدانجایی واجب شد که نویسنده‌ای چون میرزا آقا تبریزی، خودش را پشت نامی جعلی - میرزا ملکم خان - پنهان کرد و برای ادامه پیدا کردن فعالیت‌هایش، زندگی آبرونیکی برای خود ساخت.

هر دو نمایشنامه‌نویس متقدم - میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقا تبریزی -

دارای مشاغل دولتی بودند. طبیعی است که به دلیل نزدیکی به حکومت، بیش از سایرین از فساد و بلوای رایج آگاهی داشته و به دلیل نویسنده بودنشان، بیش از دیگران مسئولیت مطرح کردن کاستی‌ها را داشته‌اند. هر دو نمایشنامه‌نویس ناچار بودند برای بیان آنچه ناگفتنی بود راهی پیدا کنند، راهی که با آن بتوانند هم رسالت خود را به عنوان نویسنده و منتقد اجتماعی به انجام رسانند و هم از شر دولتیان در امان بمانند. هر دوی این نویسندگان به آبرونی پناه بردند. انواع مختلف آبرونی در آثار این دو دیده می‌شود که کارکردهای متفاوتی هم دارند.

امید است با بررسی نقش آبرونی در تولد ادبیات نمایشی ایران، با جنبه‌ای متفاوت از سبک نمایشنامه‌نویسان متقدم ایرانی آشنا شده و گونه ایرانی شده آبرونی شناسایی و به عنوان تکنیکی در نگارش نمایشنامه بازشناخته شود. بررسی نحوه خلق موقعیت‌های آبرونیک در ادبیات نمایشی ایران و چگونگی استفاده نویسنده از آن در بیان مکنونات قلبی‌اش، می‌تواند نمایشنامه‌نویسان جوان را با شیوه‌های بدیعی آشنا سازد تا با استفاده خلاقانه از آنها بر جذابیت نمایشنامه‌های خود بیفزایند.